

فوتبال، تجارت و خشونت پلیس

دانیل فین

ترجمه‌ی کسرا شعبانی



فینال لیگ قهرمانان اروپا قرار است، نمایشِ اوج فوتبال اروپا باشد. امسال، نهاد حاکم بر این ورزش، اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا)، دست‌به‌دستِ دولت فرانسه داد تا نوع بسیار متفاوتی از نمایش را ارائه دهند - یکی از مصداق‌های خشونتِ غیرمنتظره‌ی پلیس و سهل‌انگاریِ مقام‌های رسمی که ممکن است پی‌آمدهای مرگباری در پی داشته باشد. تنها چند هفته پس از این‌که امانوئل ماکرون با سروصدا به دومین دوره‌ی ریاست جمهوری راه پیدا کرد، بازیِ پاریس، آینه‌ی ناخوشایندی رودررویِ فرانسه‌ی ماکرون و وضعیت این بازی مدرن گرفت.

«وحشی‌گری»

جای تعجب نبود که وزرای دولت ماکرون از رودررویی با بازنمود خود راضی نباشند، و مقصر دانستن قربانیان و تردیدافکنی و بی‌اعتبار جلوه دادن اصل موضوع، واکنش نشان دهند. خودِ ماکرون در ۲۰۱۹ گفت که صحبت از «خشونت قانون» یا «سرکوبی» در کشوری مانند فرانسه روا نیست» «در دولتی تحت حاکمیتِ قانون چنین کلماتی پذیرفتنی نیست.»

از این چشم‌انداز، مهم نیست که صدها یا حتی هزاران شاهد، از جمله سیاستمداران و افسران پلیس بریتانیایی، وجود داشته باشند. بی‌تردید، آن‌ها شاهد استفاده‌ی بی‌دلیل پلیس ضدشورش فرانسه از گاز اشک‌آور و اسپری فلفل علیه هواداران لیورپول بودند که به تنگ‌راه‌های خطرآفرین ورودی ورزشگاه هدایت می‌شدند.

جرالد دارمانین،^۱ وزیر کشور ماکرون، مدعی شد که «کلاهداری‌ای سازماندهی شده و در ابعادی گسترده و انبوه» صورت گرفته است. او ادعا کرد که سی یا حتی چهل‌هزار هوادار لیورپول با بلیط‌های جعلی در استادیوم حاضر شده‌اند: «آشکارا به‌نظر می‌رسد که اتفاقاتی از این دست، تنها برای برخی باشگاه‌های انگلیسی رخ می‌دهد.» دارونین همچنین تأکید کرد که استفاده از گاز اشک‌آور اقدامی بشردوستانه: «ضروری برای بازکردن محوطه بود تا مردم زیر دست‌وپا له نشوند.»

^۱ Gérald Darmanin

وزیر ورزش، آملی اودئه-کاسترا،^۲ موضع دارمانین را **تکرار** و تأکید زیادی بر این واقعیت کرد که هیچ گزارشی از بروز مشکل در راه هواداران رئال مادرید برای رسیدن به فینال وجود نداشت:

این واقعیت که باشگاه رئال مادرید با زمان‌بندی رسیدن اتوبوس‌ها از فرودگاه و سازمان‌دهی فراگیر هرچیزی از ابتدا تا به انتها، بر آمدن هواداران خود به پاریس تا حد زیادی نظارت کرده است – که به شدت در تضاد با کردار باشگاه لیورپول بود که به وحشی‌گری هواداران‌اش انجامید – تفاوت زیادی ایجاد کرد.

پیش از این که دارمانین و اودئه‌کاسترا این بهانه‌ی آغشته به تحقیر طبقاتی ("وحشی‌گری") را هوا کنند، کِن اِریلی^۳ از آیریش تایمز تضاد فرضی بین این دو دسته هوادار را **تشریح** کرده بود. اِریلی برخلاف دو سیاستمدارِ فرانسوی، از نزدیک شاهد این افتضاح بود:

مادردیدی‌ها گوشه‌ی شمالی زمین را در اختیار داشتند و محل‌گردهم‌آیی هواداران، تنها در یک کیلومتری شمال ورزشگاه واقع شده بود، بنابراین بسیاری از هواداران در روز بازی زودتر به محوطه‌ی عمومی سن‌دنی^۴ می‌رسیدند. مناسب‌ترین ایستگاه برای رسیدن به ضلع شمالی ورزشگاه، متروی سن‌دنی بود، نه ایستگاه RER در جنوب. در ورودی‌های عریض‌تر شمالی، هواداران مادرید، با آن تنگ‌راهی که سبب ازدحام لیورپولی‌ها شد، مواجه نشدند. در مقابل، از محل‌گردهم‌آیی لیورپولی‌ها، که ده‌ها هزار هوادار را به کور دئه وینسنس،^۵ در ۱۰ کیلومتری شرق استادو فرانس کشاند، تا ورزشگاه با حمل‌ونقل عمومی، حداقل ۴۵ دقیقه

^۲ Amélie Oudéa-Castéra

^۳ Ken Early

^۴ Saint Denis

^۵ Cours de Vincennes

طول می‌کشید. هیچ دلیلی وجود نداشت که هواداران ساعت‌ها قبل به سندنی بروند - مگر اینکه پیش‌بینی می‌کردند مشکلی پیش آید. اِریلی مشکلی که آن شب پیش آمد را چنین خلاصه کرد:

مشکل اساسی این بود که جریان جمعیت در حال حرکت به سمت ورزشگاه، بسیار بیشتر از گنجایش ورودی‌های جنوبی بود. برنامه‌ی مدیریت جمعیت، اساساً مستلزم عبور دادن شتر از سوراخ سوزن بود و هنگامی که آشکار شد که شتر ردشدنی نیست، نیروی پلیس با اشتیاق کار با اسپری‌های فلفل و گازهای اشک‌آور خود را شروع کرد

کسانی که وسوسه می‌شوند بپندارند، پلیس باید دلیلی خوب برای از غلاف بیرون کشیدن چماق و سرکوب‌افزارهای شیمیایی خود داشته باشد، خوب است به یاد داشته باشند که برای پلیس ضدشورش، کتک‌کاری مردم لذت‌بخش‌ترین بخش کارشان است. یوفا خوش‌شانس بود که این خرمحشر سازمانی پی‌آمدهای بدتری به دنبال نداشت.

در واقع امر، افرادی که فوتبال مدرن را اداره می‌کنند، آن را یک تجارت، یک محصول سرگرمی با تقاضای انبوه می‌انگارند، و این واقعیت را نادیده می‌گیرند که هواداران به همان شیوه‌ای که سینماورها تصمیم می‌گیرند کدام فیلم پرفروش هالیوودی را تماشا کنند، دست به انتخاب از بین باشگاه‌های متنوع نمی‌زنند. اما حتی نمی‌توان در معتبرترین سطح رقابت‌ها امیدی به این گردانندگان داشت تا بلکه امنیت مشتریان پیش‌فرض را تأمین کنند.

نمک پاشیدن روی زخم

ممکن است مشاهدات اِریلی درباره‌ی عادات تفریحی پلیس ضدشورش مورد استقبال افرادی واقع نشود که فکر می‌کنند ما هرگز نمی‌توانیم به اندازه‌ی کافی قدران «پاسداران امنیت» باشیم. اما یقیناً برای کسانی که فرهنگ پلیس فرانسه را از نزدیک تجربه کرده‌اند، طنینی آشنا خواهد داشت. از جمله آن بیست‌وچهار تظاهرکننده‌ای که بین نوامبر ۲۰۱۸ تا مه ۲۰۱۹ با گلوله‌های پلاستیکی کور شدند.

«وزرای دولت فرانسه با مقصر دانستن قربانیان و بی‌اعتبار جلوه‌دادن اصل موضوع، به انتقاد از پلیس و واکنش نشان دادند.» وقایع شبه‌ی گذشته متفاوت بود، چون شاهدان بسیار زیادی وجود داشتند، شاهدانی از آن دست که معمولاً پلیس‌های فرانسوی مجبور نیستند هنگام آزار و اذیت نوجوان‌ها در حومه‌نشین‌های پاریس نگران‌شان باشند. برای نمونه، افسران پلیس روزهای مسابقه از لیورپول بودند که به‌سرعت روایت رسمی را [رد](#) کردند: «در آن اوضاع تکان‌دهنده، رفتار هواداران در مقابل نرده‌های چرخان مثال‌زدنی بود». اندی رابرتسون، مدافع اسکاتلندی باشگاه لیورپول، با اشاره به این‌که به یکی از دوستان‌اش گفته شده بود که بلیط او تقلبی است، حتی اگر مستقیماً از طرف خود رابرتسون آمده باشد، ادعای بلیط‌های جعلی را به چالش کشید.

پلیس ضدشورش به [استیو روترام](#)^۶، شهردار محلی^۷ لیورپول، سیاستمداری از حزب کارگر، گفت از یک حفاظ بالا برود، در این جریان از او جیب‌بری شد.

پیش پلیس رفتم تا بگویم همه‌چیزام را دزدیده‌اند، یکی از آن‌ها در جواب گفت: «به پاریس خوش آمدید.» چند هوادار لیورپول بر سر آن‌ها فریاد زدند: «اون شهردار ماست». تنها هنگامی که یکی از دو جوان فرانسوی که برای کمک در ترجمه برای ژاندارم آمده بودند، نام مرا گوگل کردند و به ژاندارم نشان دادند، باور کرد. بلافاصله مرا برد تا یک بلیط المثنی تهیه کنم.

روترام می‌گوید از الکساندر چفرین، رئیس یوفا، در مورد اتفاقاتی که پس از ورودش به ورزشگاه رخ داد، توضیح خواست:

مؤدبانه خود را معرفی کردم و آنچه را که شاهد بودم و نگرانی‌هایی را که داشتم شرح دادم. به‌نظر، موضوع اهمیتی برایش نداشت. او به من

^۶ Steve Rotheram

^۷ Metro Mayor

این شهردار با رأی مستقیم مردم محلی انتخاب می‌شود و ریاست شورای مقامات شهری را برعهده می‌گیرد. نقش او اطمینان از انطباق تصمیم‌گیری‌ها با منافع عمومی است و جنبه‌ی نظارتی و تصمیم‌گیرانه دارد. به این ترتیب، این مقام، با مقام شهردار که صاحب قدرت اجرایی و متعاقباً مسئولیت حقوقی و اجتماعی است، متفاوت است. شهردار شهر لیورپول، [جوانا مری اندرسون](#) است.

گفت: « تنها سه ماه برای برگزاری مسابقه فرصت داشتیم، خودمان را به کشتن دادیم تا بتوانیم این بازی را برگزار کنیم». که من پاسخ دادم: «من بیشتر نگرانم که مردم بیرون کشته نشوند». او اشاره کرد که حرف من توهین آمیز است.

برخی هواداران لیورپول در پاریس، بازماندگان [فاجعه‌ی هیلزبورو](#) در سال ۱۹۸۹ بودند، حادثه‌ای که جان نودوهفت نفر را گرفت. کوین کاولی^۸ [به گاردین گفت](#) که اتفاقات پاریس، بلافاصله خاطرات آن روز را زنده کرد. او همچنین نحوه‌ی برخورد دولت مکرون درباره‌ی فینال لیگ قهرمانان اروپا را با سرپوش گذاشتن‌هایی که پس از هیلزبورو رخ داد، مقایسه کرد:

هر بار که روایتی که آن‌ها پیش روی من می‌گذارند را می‌خوانم، همه‌ی آن چیزهایی که درباره‌ی هیلزبورو سرزبان‌ها انداختند، پیش چشمانم ظاهر می‌شوند. تنها چیزی که تسلی‌ام می‌دهد، این واقعیت است که این‌بار رسانه‌های جهان شاهد چیزی بودند که اتفاق افتاد، و این که ما رسانه‌های اجتماعی و دوربین‌های خودمان را داریم، بنابراین آن‌ها نمی‌توانند از زیر بار مسئولیتی که می‌کوشند از آن طفره روند، خلاصی یابند. با این حال، هر بار که این روایت را می‌خوانم، مثل این است که کسی، نمک به زخم‌ام بپاشد.

دوپینگ مالی

خوشبختانه شامگاه شنبه، تلفات دسته‌جمعی هیلزبورو تکرار نشد. اما دروغگویی مقامات، تنها رشته‌ی پیوند این دو رویداد همانند نیست. یک بازمانده‌ی دیگر هیلزبورو، آدریان تمپانی^۹، در کتاب خود، [و اکنون خورشید می‌درخشد](#)، میراث طعنه‌آمیز آن روز برای فوتبال انگلیس را به بحث کشیده است.

^۸ Kevin Cowley

^۹ Adrian Tempany

درحالی‌که دروغ‌ها درباره‌ی یورشِ هواداران لیورپول به پلیس و کارهای هنجارشکنانه هنوز در فضای عمومی بریتانیا طنین‌انداز بود، مسئولان برگزاری مسابقات در انگلستان، از این فرصت برای تبلیغ ورزشگاه‌های تمام‌صندلی^{۱۰} استفاده می‌کردند. این بخشی از فرایندی بود که لیگِ سطح اول انگلستان را به یک محصول جهانی به‌شدت سودآور تبدیل کرد. روزنامه‌ی سان که قربانیان هیلزبورو را اهریمن جلوه می‌داد، به همان روپرت مرداکی تعلق داشت که پول حق پخش تلویزیونی‌ای را می‌پرداخت، که سوختِ موشکی لازم برای در مدار قرار گرفتن لیگ برتر را فراهم می‌کرد.

در طول تقریباً نخستین دهه‌ی سازوکار جدید، باشگاه‌های بزرگ انگلیسی همچنان به جریان‌های درآمدی که می‌توانستند مستقیم یا غیرمستقیم از دنیای فوتبال به‌دست آورند، اتکا داشتند (بلیت‌فروشی، بازاریابی، قراردادهای پشتیبانی مالی، و سهم‌شان از خروارها درآمد تلویزیون). سپس میلیارد در روسی، رومن آبراموویچ، در سال ۲۰۰۳ چلسی را خرید. پس از حمله‌ی روسیه به اوکراین، [مسئولان برگزاری] لیگ برتر به این نتیجه رسید که آبراموویچ چهره‌ای مظلون [به همکاری با پوتین] است و او را مجبور به فروش باشگاه کردند. یوفا به دلیل حمله‌ی روسیه به اوکراین، فینال لیگ قهرمانان اروپا را از پترزبورگ به پاریس منتقل کرد. به این ترتیب، همان‌طور که جاناتان ویلسون^{۱۱} تشخیص داده، مدت‌ها بود که اسب‌ها از اصطبل رمیده بودند:

کاری که عملاً آبراموویچ انجام داد، جداسازی قابلیت سرمایه‌گذاری یک باشگاه از موفقیت در زمین و نیز قواعد معمول تجارت بود. آرسنال در کوشش برای رقابت با منچستر یونایتد استادیومی جدید ساخت. در حالی که آبراموویچ مستقل رفتار می‌کرد.

آبراموویچ در مدتی که مالک چلسی بود، با کمکی ۱.۵ میلیارد پوندی سر کیسه را شل کرد که ظاهراً باشگاه هرگز آن را پس نخواهد داد. سرمربی آرسنال، آرسن ونگر از این موضوع به عنوان دوپینگ مالی یاد کرد.

^{۱۰} all-seater

^{۱۱} Jonathan Wilson

آبراموویچ الگویی بنا گذاشت که سرمایه‌دار نفتی دنباله‌رو او در خاورمیانه درصدد تقلید از آن‌اند. منصور بن زاید آل نهیان، جانشین نخست‌وزیر فعلی امارات متحده عربی، به‌میانجی گروه ابوظبلی یونایتد مالک منچستر سیتی است. تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر، به‌میانجی سرمایه‌گذاری ورزشی قطر، مالک باشگاه پاری سن ژرمن (PSG) است. در حالی که سیتی چهار قهرمانی در پنج فصل اخیر لیگ برتر کسب کرده، پاری سن ژرمن در ۱۰ فصل اخیر فرانسه، ۸ بار قهرمان لیگ فرانسه شده است. هر دوی این باشگاه‌ها از سال ۲۰۱۹ به این‌سو به فینال لیگ قهرمانان اروپا رسیده‌اند، و دلایل فراوانی وجود دارد که انتظار داشته باشیم دیر یا زود، قهرمانی در این رقابت‌ها را به دست آورند، همان‌گونه که چلسی در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۲۱ موفق شد.

سال گذشته، کوسه‌ی سفید بزرگ شورای همکاری خلیج [فارس]، تصمیم گرفت مسیری را دنبال کند که پیش‌تر ماهی‌های قنات این شورا به آن هدایت شده بودند. صندوق سرمایه‌گذاری عمومی سعودی، زیر نظر محمد بن سلمان، ۸۰ درصد از سهام نیوکاسل یونایتد را در اختیار گرفت. اگر همه‌چیز هم‌چنان باشد که بود، ۱۲ می‌توانیم انتظار داشته باشیم در سال‌های آینده، نیوکاسل نیز سهم خود از جام‌های داخلی و اروپایی را به کام کشد.

مطمئناً محمد بن سلمان نقش به‌مراتب جدی‌تری در حمله به یمن داشت تا آبراموویچ در حمله به اوکراین، بنابراین الزام به ترک اجباری تاجر روس نشانه‌ای از بیداری اخلاقی دیر هنگام در بالاترین سطوح نیست. در واقع، دولت بریتانیا فعالانه رایزنی کرد تا لیگ برتر درباره‌ی تصاحب [نیوکاسل توسط] سعودی‌ها سهل‌گیری کند.

مرحله‌ی بعدی

در اوایل ماه جاری، ۱۳ منچستر سیتی برای دومین بار در چهار سال گذشته، مجبور شد برای اطمینان از کسب عنوان قهرمانی لیگ برتر تا آخرین روز فصل صبر کند. با

۱۲ Ceteris paribus

۱۳ تاریخ انتشار مطلب ۳۱ ماه مه است.

هر معیار منطقی، توصیفِ حریفِ اصلیِ آن‌ها، لیورپول، به‌عنوان تیمی کوچک، بی‌معناست. جان هنری، مالک آمریکایی باشگاه مرسی ساید که از پروژه‌ی ناموفق سوپر لیگ اروپا حمایت کرده بود، با معامله‌گری کالایی ثروت خود را به دست آورده است. هزینه‌کردِ خالصِ لیورپول در بازارِ نقل‌وانتقالات در دهه‌ی گذشته کمی بیش از ۲۹۰ میلیون پوند بوده است.

با این حال، هیچ چیز منطقی‌ای در مورد اقتصاد سیاسی فوتبال مدرن وجود ندارد: سیتی طی همین دوره، تقریباً بیش از سه برابر برای خرید بازیکنان هزینه کرده است. یک نمونه، خرید ۱۰۰ میلیون پوندیِ جک گرلیش، تا اندازه‌ای شکست این روند را به اثبات رسانید، با وجود این، این موضوع مانع از قهرمانی سیتی در لیگ نشد. دستاورد لیورپول در رقابتی چنین نزدیک با سیتی، استثنائی است، اما همچنان نمی‌تواند بهتر از هم‌اورد خود شوند، و شاید نتوانند برای مدتِ طولانی‌تری در برابرِ قوانینِ گرانشِ اقتصادی ایستادگی کنند.

اگر فوتبال در امتداد خط سیر کنونی خود به پیش رود، ممکن است در آینده، دوران گواردیولا-کلوپ را عصری طلایی به حساب آوریم، زمانی که هنوز محدودیت‌هایی برای قدرت پول وجود داشت (همان‌گونه که اکنون بسیاری از هواداران با حسرت‌زدگی به دوران ونگر-فرگوسن و رقابتِ بین منچستریونایتد و آرسنال، که درست قبل از آمدن رومن آبراموویچ رخ داد، نگاه می‌کنند). برای ایستاندن این روند، به قسمی دگرگونی اجتماعی نیاز داریم که دستیابی به آن فراسوی دنیای ورزش دست‌یافتنی است.

پیوند با منبع اصلی:

<https://jacobin.com/۰۵/۲۰۲۲/champions-league-paris-madrid-liverpool-police-macron>